

ژرفکاوی سبک‌شناسی شناختی: رابطه بین سبک ادبی و فرآیندهای ذهنی خواننده (مطالعه موردی: منتخب آثار جلال آل احمد)

زهرا ایرانمنش^{*}، مؤده شفيعی

۱- گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.

۲- گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد انار، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران.

سال هجدهم، شماره دهم، دی ۱۴۰۴، شماره پی در پی ۱۱۶، صص ۱۱۹-۱۳۲

<https://irandoi.ir/doi/10.irandoi.2002/bahareadab.2026.18.7994>

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی
(بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه: سبک‌شناسی شناختی، رویکردی میان‌رشته‌ای مبتنی بر زبان‌شناسی شناختی و روان‌شناسی ادبی، بر تعامل عناصر سبکی متن با فرآیندهای ذهنی خواننده تمرکز دارد. این پژوهش به بررسی رابطه سبک ادبی جلال آل احمد در آثار منتخب (پنج داستان و غرب‌زدگی) با فرآیندهای شناختی خواننده میپردازد.

روش‌ها: این مطالعه توصیفی-تحلیلی با استفاده از تحلیل متنی کیفی، عناصر سبکی مانند روایت شخصی، طنز اجتماعی و استعاره‌ها را در سه داستان از مجموعه پنج داستان («گلدسته‌ها و فلک»، «جشن فرخنده» و «خواهرم و عنکبوت») و متن کامل غرب‌زدگی بررسی کرد. تحلیل بر اساس نظریه‌های گیبس (۲۰۰۲) و لاکوف و جانسون (۱۹۸۰) و با کدگذاری باز و محوری انجام شد.

یافته‌ها: سبک موجز، پرخاشگر و واقع‌گرایانه آل احمد، طرحواره‌های فرهنگی مانند تضاد سنت و مدرنیته را فعال میکند و به تنش ذهنی، شبیه‌سازی شناختی و همذات‌پنداری عاطفی منجر میشود. هشت جنبه فکری کلیدی شامل نقد نظام آموزشی، بازنمایی رویدادهای سیاسی، مسائل زنان و فقر شناسایی شدند که ذهن خواننده را بازسازی میکنند.

نتیجه‌گیری: سبک آل احمد از طریق استعاره‌ها و غریب‌سازی، خواننده را به بازاندیشی هویت ملی و بیداری اجتماعی سوق میدهد. این پژوهش خلأ شناختی در تحلیل ادبیات متعهد فارسی را پر میکند و پیشنهاد میکند تحلیل به آثار دیگر گسترش یابد.

تاریخ دریافت: ۲۸ تیر ۱۴۰۴

تاریخ داوری: ۳۰ مرداد ۱۴۰۴

تاریخ اصلاح: ۱۵ شهریور ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۲۹ مهر ۱۴۰۴

کلمات کلیدی:

سبک‌شناسی شناختی، جلال آل احمد، فرآیندهای ذهنی خواننده، پنج داستان، غرب‌زدگی، طرحواره‌های فرهنگی، تنش ذهنی، غریب‌سازی.

* نویسنده مسئول:

z.iranmanesh@cfu.ac.ir

(+۹۸ ۲۱)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

An in-depth exploration of cognitive stylistics: The relationship between literary style and the reader's mental processes (Case study: Selected works of Jalal Al-Ahmad)

Z. Iranmanesh*, M. Shafiee

1- Department of Persian Language and Literature, Farhangian University, Tehran, Iran.

2- Department of Persian Language and Literature, An.C., Islamic Azad University, Kerman, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 19 July 2025

Reviewed: 21 August 2025

Revised: 06 September 2025

Accepted: 21 October 2025

KEYWORDS

Cognitive stylistics, Jalal Al-Ahmad, reader's mental processes, five stories, Westernization, cultural schemas, mental tension, alienation.

*Corresponding Author

✉ z.iranmanesh@cfu.ac.ir

☎ (+98)

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: Cognitive stylistics, an interdisciplinary approach rooted in cognitive linguistics and literary psychology, focuses on the interaction between textual stylistic elements and the reader's mental processes. This study explores the relationship between Jalal Al-e Ahmad's literary style in selected works (Five Stories and Weststruckness) and the Reader's cognitive processes.

METHODOLOGY: Employing a descriptive-analytical approach, this qualitative textual analysis examines stylistic elements such as personal narrative, social satire, and metaphors in three stories from Five Stories ("Minarets and the Firmament," "The Auspicious Celebration," and "My Sister and the Spider") and the full text of Weststruckness. The analysis is grounded in Gibbs' (2002) and Lakoff and Johnson's (1980) theories, using open and axial coding.

FINDINGS: Al-e Ahmad's concise, aggressive, and realistic style activates cultural schemas such as tradition versus modernity, leading to mental tension, cognitive simulation, and emotional empathy. Eight key intellectual aspects, including critique of traditional education, representation of political events, women's issues, and poverty, were identified as reshaping the reader's mind.

CONCLUSION: Al-e Ahmad's style, through metaphors and defamiliarization, prompts readers to rethink national identity and fosters social awakening. This study fills a cognitive gap in analyzing committed Persian literature and suggests expanding the analysis to other works.

<https://irandoi.ir/doi/10.irandoi.2002/bahareadab.2026.18.7994>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 15	 1	 0

مقدمه

ادبیات معاصر فارسی، به ویژه در دوره پس از انقلاب مشروطه تا دهه‌های پیش از انقلاب اسلامی ایران، شاهد تحولات عمیقی در نثر، روایت و تعهد اجتماعی بوده است، که نویسندگانی مانند جلال آل احمد نقش محوری در آن ایفا کرده‌اند، جایی که سبک ادبی نه تنها ابزاری برای بیان زیبایی‌شناختی است، بلکه وسیله‌ای قدرتمند برای نقد فرهنگی، سیاسی و اجتماعی عمل میکند و مستقیماً بر فرآیندهای ذهنی خواننده - از فعال‌سازی خاطرات تاریخی و فرهنگی گرفته تا ایجاد تنش‌های عاطفی و تحلیلی - تأثیر می‌گذارد، به گونه‌ای که خواننده را از یک مصرف‌کننده منفعل متن به یک شرکت‌کننده فعال در بازسازی معانی تبدیل میکند، و این تحولات با تأثیر از جنبش‌های روشنفکری و تغییرات اجتماعی مانند مدرنیزاسیون اجباری، ادبیات را به عرصه‌ای برای چالش هویت ملی تبدیل کرده است. جلال آل احمد، متولد ۱۱ آذر ۱۳۰۲ در خانواده‌ای مذهبی شیعه در محله سید نصرالدین تهران، با پیشینه‌ای که شامل تحصیلات شبانه در دارالفنون، کار در بازار، رد مسیر روحانیت به نفع تعهد روشنفکری، عضویت موقت در حزب توده و سپس فاصله‌گیری از آن، و تجربیات شخصی مانند تدریس در مدارس و سفرهای متعدد بود، سبکی را خلق کرد که تلفیقی از نثر تلگرافی (کوتاه و موجز با جملات ناقص برای ایجاد ریتم سریع و فوریت)، لحن پرخاشگر (شلاق‌وار و عصبانی برای برانگیختن خشم اخلاقی و بیداری اجتماعی) و واقع‌گرایی اجتماعی است، سبکی که ریشه در تجربیات شخصی او مانند زندگی در خانواده مذهبی و فعالیت‌های سیاسی دارد و خواننده را به شبیه‌سازی شناختی تجربیات فرهنگی وامیدارد، به ویژه در آثاری مانند پنج داستان که خاطرات کودکی و نوجوانی را بازسازی میکند و غرب‌زدگی که به عنوان مانیفست ضداستعماری عمل میکند، و این سبک با استفاده از زبان عامیانه و توصیفات دقیق، لایه‌های عمیق‌تری از واقعیت اجتماعی را آشکار می‌سازد (آل احمد، ۱۳۵۶؛ آل احمد، ۱۳۴۱).

این پژوهش، بر پایه سبک‌شناسی شناختی - که تعامل متن با ذهن خواننده را از طریق مفاهیمی مانند طرحواره‌ها (الگوهای ذهنی مبتنی بر تجربیات گذشته که خواننده برای تفسیر متن از آنها استفاده میکند)، استعاره‌های مفهومی (بازنمایی انتزایی از طریق حوزه‌های آشنا مانند بیماری برای غرب‌زدگی) و سبک‌های ذهنی (بازنمایی جهان‌بینی شخصیت‌ها که خواننده را به هم‌ذات‌پنداری یا بازاندیشی وامیدارد) بررسی میکند - به کاوش رابطه میان سبک آل احمد در منتخب آثارش (پنج داستان و غرب‌زدگی) و فرآیندهای ذهنی خواننده می‌پردازد، جایی که سؤال اصلی این است: چگونه عناصر سبکی مانند روایت شخصی و طنز انتقادی، فرآیندهای ادراکی، عاطفی و تحلیلی خواننده را فعال کرده و به بازسازی طرحواره‌های فرهنگی مانند تضاد سنت و مدرنیته منجر میشود، در حالی که این عناصر میتوانند منجر به پدیده‌هایی مانند تنش ذهنی ناشی از تضاد طرحواره‌ها و هم‌ذات‌پنداری عمیق‌تر شوند و چگونه این سبک به تحول هویت ملی کمک میکند؟

اهمیت این مطالعه در پر کردن خلأ کاربرد رویکردهای شناختی بر ادبیات فارسی است، جایی که مطالعات پیشین بیشتر بر جنبه‌های زبانی یا اجتماعی تمرکز داشته‌اند، در حالی که این پژوهش اهداف گسترده‌تری را دنبال میکند: شناسایی دقیق عناصر سبکی بر اساس منابع معتبر و تحلیل‌های لایه‌ای، تحلیل تأثیر آنها بر ذهن خواننده با تأکید بر جنبه‌های روان‌شناختی مانند غریب‌سازی (که ادراک آشنا را مختل میکند و پردازش عمیق‌تر را برمی‌انگیزد)، و پیشنهاد چارچوبی جامع برای مطالعات آینده در ادبیات متعهد، که میتواند به درک عمیق‌تر تأثیر ادبیات بر هویت ملی و اجتماعی خوانندگان ایرانی کمک کند، به ویژه در زمینه‌ای که آل احمد به عنوان یکی از تأثیرگذارترین روشنفکران قرن بیستم ایران شناخته میشود و آثارش همچنان در بحث‌های فرهنگی معاصر نقش دارند، و این

پژوهش با زمینه تاریخی مانند تأثیر حزب توده و جنبشهای ضدغربی، عمق بیشتری مییابد (Hillmann, 1982; Sharifnia, 2011). مقدمه با ادغام اهمیت و سؤالات، زمینه‌ای جامع برای پژوهش فراهم میکند و نشان میدهد چگونه سبک‌شناسی شناختی، ابزار قدرتمندی برای تحلیل ادبیات متعهد فارسی است.

زمینه تاریخی ادبیات معاصر فارسی

ادبیات فارسی در دوره معاصر، تحت تأثیر تحولات اجتماعی مانند مدرنیزاسیون اجباری دوران رضاشاه و جنبشهای روشنفکری، به سمت تعهد اجتماعی گرایش یافت، جایی که نویسندگانی مانند آل احمد با نثری واقع‌گرا، نقد ساختارهای سنتی و نفوذ غرب را برجسته کردند و خواننده را به پردازش عمیق‌تر مسائل فرهنگی وامیداشتند، فرآیندی که طرح‌واره‌های تاریخی مانند تضاد سنت و نوگرایی را فعال میکند و به بازاندیشی هویت ملی منجر میشود، و این دوره با ورود مفاهیم غربی مانند سوسیالیسم و لیبرالیسم، ادبیات را به ابزاری برای چالش استعمار تبدیل کرد، جایی که آثار آل احمد نمونه‌ای از این تحول هستند و با روایت شخصی، تجربیات جمعی را بازتاب میدهند، و تأثیر انقلاب مشروطه و جنگ جهانی دوم بر این زمینه، لایه‌های پیچیده‌تری به پردازش شناختی خواننده اضافه می‌کند، زیرا متن‌ها نه تنها روایت میکنند، بلکه ذهن را به چالش میکشند و به غریب‌سازی تجربیات آشنا منجر میشوند، و بررسی تاریخی نشان میدهد چگونه این زمینه، پایه‌ای برای سبک‌شناسی شناختی فراهم می‌کند و به درک تعامل متن و ذهن کمک میکند (Hillmann, 1982; Darpari, 2013). این بخش با تشریح تحولات تاریخی و توضیح چگونگی تأثیر آنها بر ادبیات، اهمیت زمینه را در تحلیل شناختی برجسته می‌سازد و نشان میدهد چگونه جنبشهای اجتماعی، طرح‌واره‌های فرهنگی را در آثار آل احمد فعال میکنند، و با مثال از دوران رضاشاه، توضیح میدهد چگونه این زمینه، تنش ذهنی در خواننده ایجاد میکند و به بازسازی هویت فرهنگی کمک میکند، و در نهایت، این زمینه با تفصیلات، پایه‌ای برای بررسی سبک ادبی فراهم میکند و نشان میدهد چگونه ادبیات معاصر فارسی، ابزاری برای تحول اجتماعی است.

بیوگرافی جلال آل احمد

جلال آل احمد، از خانواده‌ای مذهبی با اصالت طالقانی، پس از تحصیل در دارالفنون و دانشسرای عالی، به تدریس و نویسندگی پرداخت و با آثارش مانند پنج داستان و غریب‌دگی، نقش کلیدی در جنبش روشنفکری ایفا کرد، جایی که تجربیات شخصیش مانند عضویت در حزب توده، فاصله‌گیری از آن و سفر به نجف، سبک پرخاشگر و متعهدانه او را شکل داد و خواننده را به همذات‌پنداری با جهان‌بینی او وامیداشت، و زندگی او با سیمین دانشور، نویسنده برجسته، تأثیر متقابلی بر آثارشان داشت، جایی که او در سال ۱۳۴۸ درگذشت و میراثی از نقد اجتماعی برجای گذاشت، و این بیوگرافی با تشریح تجربیات، نشان میدهد چگونه زندگی شخصی، سبک پرخاشگر را تشکیل داد و خواننده را به همذات‌پنداری وامیداشت، و بررسی زندگی او، لایه‌های روان‌شناختی آثار را آشکار می‌سازد و به درک تأثیر بر فرآیندهای ذهنی کمک میکند، و با توضیح جزئیات مانند رد روحانیت، نشان میدهد چگونه این تجربیات، طرح‌واره‌های فرهنگی مانند تضاد سنت و مدرنیته را در آثار بازتاب میدهند، و در نهایت، بیوگرافی با جزئیات گسترده، زمینه‌ای برای تحلیل سبکی فراهم می‌کند و توضیح میدهد چگونه زندگی آل احمد، پایه‌ای برای سبک‌شناسی شناختی است (Hillmann, 1982; Al-e Ahmad, 1962). این بخش با تفصیلات زندگی، اهمیت تجربیات شخصی در شکل‌گیری سبک را توضیح میدهد و نشان میدهد چگونه این عناصر، فرآیندهای

ذهنی مانند شبیه‌سازی را در خواننده فعال می‌کنند، و با مثال از فعالیتهای سیاسی، عمق بیشتری به توضیح می‌بخشد.

تعاریف مفاهیم

در این بخش، مفاهیم اصلی پژوهش را با دقت و بر اساس منابع معتبر ادبی، روان‌شناختی و زبان‌شناختی تعریف می‌کنیم، تا چارچوبی یکپارچه و محکم برای تحلیل فراهم آید، جایی که هر مفهوم نه تنها به صورت انتزاعی توصیف می‌شود، بلکه با مثالهایی از ادبیات فارسی و به ویژه آثار آل احمد مرتبط میگردد تا کاربرد عملی آنها روشن شود. سبک‌شناسی شناختی، رویکردی میان‌رشته‌ای است، که بر پایه کارهای گیبس (Gibbs, 2002) و لاکوف و جانسون (Lakoff & Johnson, 1980) بنا شده و سبک ادبی را نه تنها به عنوان عنصری زیبایی‌شناختی، بلکه ابزاری برای فعال‌سازی فرآیندهای ذهنی مانند طرحواره‌ها (الگوهای ذهنی مبتنی بر تجربیات گذشته که خواننده برای تفسیر متن از آنها استفاده می‌کند، مانند طرحواره کودک‌کی مذهبی در پنج داستان که خاطرات دوران رضاشاه را فراخوانی می‌کند)، استعاره‌های مفهومی (مانند غریب‌زدگی به مثابه بیماری که حوزه‌های انتزاعی فرهنگی را از طریق حوزه‌های آشنا پزشکی بازنمایی می‌کند و خواننده را به ترکیب فضاهای ذهنی وامیدارد) و سبکهای ذهنی (نحوه بازنمایی جهان درونی شخصیتها یا راوی که خواننده را به همذات‌پنداری یا بازاندیشی وامیدارد، مانند ذهن پرخاشگر راوی در غرب‌زدگی که تنش اجتماعی را القا می‌کند) می‌بیند، جایی که این تعامل دوسویه، متن را به تجربه‌ای تحول‌آفرین تبدیل می‌کند و میتواند بر اساس مطالعات شناختی، پردازش عاطفی و تحلیلی را افزایش دهد، و در ادبیات فارسی، این رویکرد میتواند به تحلیل لایه‌های فرهنگی کمک کند و با توضیح چگونگی فعال‌سازی، عمق بیشتری به تعریف می‌بخشد (آل احمد، ۱۳۵۶؛ آل احمد، ۱۳۴۱).

فرآیندهای ذهنی خواننده، شامل فعال‌سازی (فراخوانی طرحواره‌های فرهنگی مانند نوستالژی کودک‌کی در فضای مذهبی که در داستان «گلدسته‌ها و فلک» با توصیف صعود به گلدسته مسجد رخ میدهد)، شبیه‌سازی شناختی (بازسازی تجربیات متن در ذهن خواننده که نواحی همذات‌پنداری مغز را فعال می‌کند، مانند تصور بیماری خواهر در «خواهرم و عنکبوت» که احساس ترس و همدردی را برمی‌انگیزد) و تنش ذهنی (تنش ناشی از تضاد طرحواره‌ها مانند سنت در برابر مدرنیته که خواننده را به تأمل عمیق‌تر سوق میدهد و میتواند منجر به تغییرات نگرشی شود) است، فرآیندهایی که بر اساس مطالعاتی، خوانش را از سطح سرگرمی به سطح بازسازی ذهنی ارتقا میدهند و در ادبیات متعهد مانند آثار آل احمد، نقش اجتماعی برجسته‌ای دارند، و این فرآیندها با بررسی دقیق متن، میتوانند به درک بهتر تأثیر ادبیات بر جامعه کمک کنند و با توضیح مثال‌ها، کاربرد را روشن می‌کنند.

سبک ادبی آل احمد، ترکیبی از واقع‌گرایی اجتماعی (بازنمایی دقیق مسائل روزمره مانند فقر و نابرابری)، طنز انتقادی (نقد تند اجتماعی با لحنی پرخاشگر برای برانگیختن واکنش) و روایت شخصی (استفاده از تجربیات شخصی برای ایجاد نزدیکی و همذات‌پنداری) است که جهان‌بینی متعهدانه او را بازتاب میدهد، با ویژگیهایی مانند نثر تلگرافی (کوتاه و موجز با جملات ناقص برای ایجاد ریتم سریع و حس فوریت)، لحن پرخاشگر (شلاق‌وار و عصبانی برای برانگیختن خشم اخلاقی و بیداری) و استفاده از زبان عامیانه (برای نزدیکی به توده‌ها و تسهیل پردازش شناختی)، سبکی که خواننده را به همذات‌پنداری عاطفی و تحلیلی وامیدارد و ریشه در تجربیات شخصی او مانند زندگی در خانواده مذهبی، فعالیت سیاسی و نقد غرب دارد، به گونه‌ای که تحلیلهای لایه‌ای نشان میدهد چگونه این عناصر، حساسیت آل احمد به مسائل اجتماعی را بازتاب میدهند و ذهن خواننده را از پذیرش منفعل به چالش فعال سوق میدهند، و این سبک با بررسی در مقالات، نشان‌دهنده نوآوری در ادبیات فارسی است (آل

احمد، ۱۳۵۶؛ آل احمد، (۱۳۴۱). این تعاریف با تفصیلات و مثالها، پایه‌ای برای تحلیل فراهم می‌کنند و با توضیح روابط میان مفاهیم، چارچوبی یکپارچه ایجاد می‌کنند.

تعریف سبک‌شناسی شناختی

سبک‌شناسی شناختی رویکردی میان‌رشته‌ای است که سبک ادبی را ابزاری برای فعال‌سازی فرآیندهای ذهنی می‌بیند، جایی که با الهام از گیبس (Gibbs, 2002)، تعامل متن و ذهن را بررسی می‌کند و در ادبیات فارسی، لایه‌های روان‌شناختی را آشکار می‌سازد، و با توضیح چگونگی کاربرد در آثار آل احمد، نشان می‌دهد چگونه این رویکرد، تحلیل را غنی می‌کند و به درک غریب‌سازی کمک می‌کند، و با مثال از استعاره‌ها، عمق می‌بخشد (Ghasemi & Rezvanian, 2015). این تعریف با تفصیل نظریه، پایه‌ای برای بررسی فراهم می‌کند و توضیح می‌دهد چگونه سبک‌شناسی شناختی، ابزار قدرتمندی برای نقد است.

تعریف فرآیندهای ذهنی خواننده

فرآیندهای ذهنی خواننده شامل فعال‌سازی، شبیه‌سازی شناختی و تنش ذهنی است، که خوانش را از سطح سطحی به عمیق تبدیل می‌کنند، جایی که با الهام از لاکوف (Lakoff & Johnson, 1980)، این فرآیندها با مثال از آثار آل احمد مانند نوستالژی در پنج داستان، توضیح داده می‌شوند و نشان می‌دهند چگونه این فرآیندها، همذات‌پنداری را افزایش می‌دهند و به تحول نگرشی منجر می‌شوند (Rahimian et al., 2012). این تعریف با مثال و توضیحات، کاربرد را روشن می‌کند و به تحلیل کمک می‌کند.

تعریف سبک ادبی آل احمد

سبک ادبی آل احمد ترکیبی از موجز بودن، پرخاشگری و واقع‌گرایی است، که تعهد اجتماعی را بازتاب می‌دهد، جایی که با بررسی لایه‌ای (Rezvanian, 2014)، ویژگی‌هایی مانند زبان عامیانه و جملات کوتاه، پردازش شناختی را تسهیل می‌کنند و با مثال از غریب‌دگی، توضیح می‌دهد چگونه این سبک، تنش ذهنی ایجاد می‌کند و به بیداری فرهنگی کمک می‌کند، و با تشریح ریشه‌های بیوگرافی، عمق می‌بخشد (Sharifnia, 2011). این تعریف با جزئیات، نوآوری سبک را برجسته می‌کند و به درک تأثیر بر خواننده کمک می‌کند.

پیشینه تحقیق

پیشینه مطالعات بر سبک آل احمد عمدتاً بر جنبه‌های زبانی، روایی و اجتماعی تمرکز داشته و کمتر به ابعاد شناختی پرداخته است، اما این پژوهش با ادغام آنها و تأکید بر فرآیندهای ذهنی خواننده، خلأ موجود را پر می‌کند، جایی که از دهه ۱۳۴۰، آل احمد به عنوان روشنفکری متعهد شناخته شد و تأثیر بسزایی بر نویسندگانی مانند نادر ابراهیمی و غلامحسین ساعدی گذاشت، و مطالعات اولیه مانند تحلیل سبک نثر او در منابع دانشگاهی بر ویژگی‌هایی مانند موجز بودن نثر که پردازش سریع را تسهیل می‌کند، لحن پرخاشگر که خشم اخلاقی را برمی‌انگیزد و واقع‌گرایی اجتماعی که طرحواره‌های فرهنگی را فعال می‌کند تأکید کرده و مثالهایی از پنج داستان مانند توصیفات عامیانه در «خواهرم و عنکبوت» را برای نشان دادن نزدیکی به زبان توده‌ها و تأثیر بر همذات‌پنداری خواننده آورده است، و این مطالعات با بررسی لایه‌ای، ویژگی‌های آوایی و نحوی را برجسته می‌کنند (Ghasemi & Rezvanian, 2015؛ Rezvanian, 2014). پژوهشهای بعدی، مانند سبک‌شناسی زبانی داستانهای کوتاه در دانشگاه سمنان (۱۳۹۴)، ویژگی‌های آوایی (حذف واجها برای ایجاد ریتم عامیانه)، واژگانی (واژه‌های ساده و روزمره برای تسهیل شبیه‌سازی شناختی)، نحوی (جملات مرکب و معلوم برای حس فوریت) و معنایی (معانی چندلایه

که تنش ایجاد می‌کنند) را بررسی کرده و سبک عامیانه آل احمد را تأیید میکند که میتواند بر پردازش شناختی خواننده تأثیر بگذارد، هرچند مستقیماً به آن نپرداخته، و این ویژگیها را در مجموعه‌هایی مانند پنج داستان برجسته میسازد، و تحلیل لایه‌ای در اس‌آی‌دی (۱۳۹۳) بر لایه‌های آوایی، واژگانی، نحوی و ایدئولوژیکی تمرکز دارد و مثالی از پنج داستان را برای نشان دادن تأثیر بر همذات‌پنداری خواننده می‌آورد، در حالی که مقاله سیویلیکا (۱۳۹۹) سبک مدیر مدرسه را با تمرکز بر واژگان و تصاویر بررسی میکند و ارتباط آن با پنج داستان را در زمینه نقد آموزشی برجسته میسازد، جایی که این نقد می‌تواند طرحواره‌های فرهنگی را مختل کند (Mahmudi Jaz', 2013; Darpari, 2013). در سطح بین‌المللی، کتاب آخرین روشنفکر مسلمان (۲۰۲۱) تحلیل سبکی پنج داستان را با تأکید بر غریب‌سازی و عمق روان‌شناختی ارائه میدهد، جایی که سبک تلگرافی آل احمد خواننده را به تعامل با تم‌هایی مانند آگاهی انتقادی وامیدارد، و برای غربزدگی، آن را به عنوان متنی جدلی با تأثیر بر شناخت فرهنگی توصیف میکند، در حالی که مقاله در مجله علوم زندگی (۲۰۱۲) تحلیل گفتمان مدیر مدرسه را بررسی میکند و ارتباط آن با سبک شناختی در پنج داستان را پیشنهاد میدهد، و دانشنامه آزاد (۲۰۲۵) بیوگرافی و عناصر سبکی مانند نشر برون‌گرا و تمرکز بر مسائل اجتماعی را خلاصه میکند و تأثیر فرهنگی بر خوانندگان را برجسته میسازد، در حالی که پژوهشهایی مانند بررسی نشانه‌شناختی در اس‌آی‌دی بر دلالت‌های متنی تمرکز دارند اما کمتر به فرآیندهای ذهنی می‌پردازند (Hillmann, 1982; Rahimian et al., 2012). این پیشینه نشان‌دهنده تمرکز غالب بر زبانی و اجتماعی است، اما خلأ شناختی را برجسته میکند که پژوهش حاضر با ادغام تعامل خواننده، شبیه‌سازی شناختی و تحلیلهای میان‌رشته‌ای پر مینماید، و از مطالعات مانند سبک‌شناسی فکری در دانشگاه اصفهان (۱۴۰۲) الهام می‌گیرد که هشت جنبه فکری در پنج داستان را شناسایی میکند و پایه‌ای برای بررسی شناختی فراهم می‌آورد، و این ادغام با تشریح مطالعات، میتواند به غنی‌سازی نقد ادبی کمک کند (درودگریان و ترابی گودرزی، ۱۴۰۱). پیشینه تحقیق با توضیحات مفصل و یکپارچه، خلأها را برجسته میکند و نشان میدهد چگونه این پژوهش، بر پایه مطالعات پیشین، نوآوری میکند.

چارچوب نظری

چارچوب نظری این پژوهش بر پایه نظریه‌های کلیدی سبک‌شناسی شناختی استوار است، جایی که با الهام از کارهای ریموند گیبس (Gibbs, 2002)، سبک ادبی را ابزاری برای فعال‌سازی طرحواره‌ها (schemas) میبیند، که الگوهای ذهنی تجربیات گذشته هستند و خواننده را به تفسیر متن از طریق این الگوها وامیدارند، و توضیح میدهد چگونه این فعال‌سازی، به غریب‌سازی (defamiliarization) منجر میشود و ادراک آشنا را مختل میکند تا پردازش عمیق‌تر ایجاد شود، و با مثال از آثار آل احمد مانند طرحواره کودکی در پنج داستان، نشان میدهد چگونه این چارچوب، تعامل متن و ذهن را تحلیل میکند. همچنین، نظریه استعاره‌های مفهومی لاکوف و جانسون (Lakoff & Johnson, 1980) پایه دیگر است، جایی که استعاره را نه تنها زبانی، بلکه مفهومی میبیند که حوزه‌های انتزایی را از طریق حوزه‌های آشنا بازنمایی میکند، و با تفصیل چگونگی همپوشانی فضاهای ذهنی (conceptual blending)، توضیح میدهد چگونه در غربزدگی، استعاره بیماری=غربزدگی، خواننده را به ترکیب حوزه‌های پزشکی و فرهنگی وامیدارد و به تنش ذهنی و بازاندیشی هویت منجر میشود، و این نظریه با مثالهای متعدد، عمق میبخشد. سبکهای ذهنی (mind styles) نیز بخشی از چارچوب است، جایی که بازنمایی جهان‌بینی شخصیتها را بررسی میکند و با الهام از گیبس، توضیح میدهد چگونه لحن پرخاشگر آل احمد،

همذات‌پنداری را افزایش می‌دهد و خواننده را به شبیه‌سازی شناختی سوق می‌دهد، و با تشریح مطالعات، نشان می‌دهد چگونه این سبکها، نواحی مغز مرتبط با عاطفه را فعال می‌کنند. این چارچوب با ادغام نظریه‌ها، پایه‌ای جامع برای تحلیل فراهم می‌کند و با توضیح روابط میان آنها، نشان می‌دهد چگونه سبک‌شناسی شناختی، ابزار قدرتمندی برای بررسی ادبیات متعهد فارسی است، و در نهایت، چارچوب با تفصیلات گسترده، آماده‌سازی برای مبانی تحلیل را فراهم می‌کند (Rahimian et al., 2012؛ Ghasemi & Rezvanian, 2015).

مبانی تحلیل

مبانی تحلیل این پژوهش بر پایه چارچوب نظری قرار دارد، جایی که تحلیل کیفی متنی با استفاده از نظریه گیبس برای فعال‌سازی طرحواره‌ها، لاکوف برای استعاره‌ها و سبک‌شناسی فکری برای جنبه‌های ذهنی انجام می‌شود، و توضیح می‌دهد چگونه این مبانی، عناصر سبکی را با فرآیندهای ذهنی مرتبط می‌کنند و به بررسی مثالهای متنی مانند توصیفات در پنج داستان می‌پردازند، و با تشریح روش کیفی، نشان می‌دهد چگونه triangulation اعتبار را تأمین می‌کند، و مبانی با تفصیل گامهای تحلیلی، پایه‌ای برای یافته‌ها فراهم می‌کند و توضیح می‌دهد چگونه این رویکرد، تحلیل را سیستماتیک و عمیق می‌کند (درودگریان و ترابی‌گودرزی، ۱۴۰۱؛ Gibbs, 2002).

فعال‌سازی طرحواره‌های فرهنگی

در پنج داستان، آل احمد از روایت شخصی برای فعال‌سازی طرحواره‌های فرهنگی و تاریخی استفاده می‌کند، جایی که داستانهایی مانند «گلدسته‌ها و فلک» با توصیف دقیق صعود کودکانه راوی به گلدسته مسجد نیمه‌کاره - "حس کنجکاوی کودکانه مدام او را تحریک می‌کند... راه یافتن و رفتن به بالای گلدسته تمام ذهنش را پر کرده و برایش به‌صورت یک هدف درآمده است" - طرحواره کودکی ماجراجو در فضای مذهبی-اجتماعی را فراخوانی می‌کند و خواننده ایرانی را به یاد تجربیات دوران رضاشاه مانند کشف حجاب و مدرنیزاسیون اجباری میندازد، فرآیندی که منجر به شبیه‌سازی ذهنی، پردازش عاطفی نوستالژیک و حتی تنش ذهنی می‌شود، زیرا تضاد میان سنت (مانند تنبیه بدنی در مدرسه سنتی) و مدرنیته را برجسته می‌سازد و خواننده را به بازاندیشی در هویت ملی وامیدارد، و این فعال‌سازی با توصیفات حسی، لایه‌های عمیقتری به پردازش می‌فزاید (آل احمد، ۱۳۵۶). این سبک، با تأکید بر جزئیات حسی مانند توصیف مسجد و تنبیه، همذات‌پنداری حسی را تسهیل می‌کند و ذهن خواننده را از پذیرش منفعل به چالش فعال سوق می‌دهد، جایی که تحلیل‌های لایه‌ای نشان می‌دهد، چگونه زبان عامیانه و جملات موجز، شبیه‌سازی را افزایش می‌دهند و ریشه در تعهد اجتماعی آل احمد دارد، تحولی که خوانش را به تجربه‌ای شخصی و فرهنگی تبدیل می‌کند و می‌تواند طرحواره‌های فرهنگی را بازسازی کند، به ویژه در زمینه‌ای که داستان به عنوان نمادی از مقاومت در برابر مدرنیزاسیون اجباری عمل می‌کند و خواننده را به پردازش عمیق‌تر تاریخی وامیدارد، و بررسی فکری نشان می‌دهد چگونه این عناصر، جنبه‌های انتقادی را برجسته می‌سازند، و با توضیح بر اساس گیبس، فعال‌سازی را تحلیل می‌کند (Gibbs, 2002؛ درودگریان و ترابی‌گودرزی، ۱۴۰۱). این بخش با تفصیلات و مثالها، فرآیند فعال‌سازی را توضیح می‌دهد و به درک تأثیر بر خواننده کمک می‌کند.

استعاره‌های مفهومی

در غریزدگی، آل احمد از استعاره مفهومی "غریزدگی به مثابه بیماری" - "غریزدگی می‌گویم همچون و بازدگی چیزی در حدود سن زدگی، دیده اید که گندم را چه طوری می‌پوساند از درون و ..." - برای همپوشانی حوزه‌های

فرهنگی-اجتماعی با پزشکی استفاده می‌کند، که فضاهای ذهنی خواننده را ترکیب کرده و او را به پردازش انتزایی از طریق آشنا وامیدارد، فرآیندی که طرحواره‌های پزشکی-اجتماعی مانند "درمان بازگشت به ریشه‌ها" را فعال میکند و منجر به بازاندیشی انتقادی در هویت ملی میشود، به ویژه با نقد ماشینیسم غربی و تأکید بر اسلام به عنوان پادزهر، و این استعاره با لایه‌های جدلی، تنش بیشتری ایجاد میکند (آل احمد، ۱۳۴۱). این سبک جدلی و تلگرافی، خواننده را به شبیه‌سازی خشونت استعماری سوق میدهد و تنش ذهنی ایجاد میکند، جایی که تحلیلها نشان میدهد چگونه این استعاره، ذهن استعمارزده را تشخیص داده و خواننده را به همذات‌پنداری اخلاقی وامیدارد، تحولی که در ادبیات متعهد فارسی بی‌نظیر است و ذهن خواننده را از غربزدگی به بازگشت فرهنگی بازسازی میکند، و میتواند پردازش عاطفی مانند خشم و امید را افزایش دهد، و بررسیها این استعاره را به عنوان کلیدی برای نقد فرهنگی برجسته میکنند، و با توضیح بر اساس لاکوف، همپوشانی را تحلیل میکند (Lakoff & Hillmann, 1982; Johnson, 1980). این بخش با تفصیلات و مثالها، نقش استعاره را توضیح میدهد و تأثیر بر فرآیندهای ذهنی را عمق میبخشد.

سبک ذهنی

سبک ذهنی آل احمد، بازنمایی جهان‌بینی "روشنفکر متعهد" از طریق راوی شخصی است، جایی که در «خواهرم و عنکبوت»، توصیف بیماری خواهر – "درست همانطور که از نگاه کردن به بچه مردم میشود حظ کرد، ازدیدن او حظ کردم. و به عجله لای جمعیت پیاده رو پیچیدم. ولی یک دفعه به وحشت افتادم" – طرحواره ترس از ناشناخته و مرگ را فعال میکند و خواننده را به شبیه‌سازی حسی وامیدارد، فرآیندی که نواحی همذات‌پنداری مغز را تحریک میکند و احساس همدردی و تنش عاطفی ایجاد مینماید، و این سبک با تمرکز بر مسائل خانوادگی، لایه‌های عاطفی را عمق میبخشد (آل احمد، ۱۳۵۶). این سبک، با لحن پرخاشگر و تمرکز بر مسائل اجتماعی مانند نابرابری زنان و فقر، خواننده را به همذات‌پنداری عاطفی سوق میدهد و تنش ایجاد میکند، جایی که تحلیل لایه‌ای نشان میدهد چگونه ویژگیهای نحوی مانند جملات فعال، پردازش سریع را تسهیل کرده و سبک عامیانه، همذات‌پنداری را افزایش میدهد، تحولی که ذهن خواننده را به همذات‌پنداری با "آخوندزاده‌ای غربی‌شده" می‌کشانند و میتواند منجر به بازاندیشی در مسائل اجتماعی شود، و بررسی فکری این جنبه را به عنوان کلیدی برای تعهد آل احمد برجسته میکند، و با توضیح بر اساس گیبس، سبک ذهنی را تحلیل میکند (Gibbs, 2002; Sharifnia, 2011). این بخش با تفصیلات و مثالها، نقش سبک ذهنی را توضیح میدهد و تأثیر بر خواننده را عمق میبخشد.

نحو و ریتم

نثر آل احمد، با جملات نشان‌دار، صدای فعال و زمان گذشته ساده، پردازش شناختی را تسهیل میکند، جایی که در پنج داستان، جملات کوتاه حس فوریت ایجاد میکنند و طرحواره واقع‌گرایی اجتماعی را فعال میکنند، فرآیندی که تحلیل زبانی نشان میدهد، چگونه حذف واجها و واژه‌های ساده، ادراک سریع را برمی‌انگیزد و خواننده را به تأمل در مسائل مانند نقد آموزشی وامیدارد، به ویژه در داستانهایی که تضاد سنت و مدرنیته را با ریتمی سریع بازنمایی میکنند، و این نحو با ایجاد ریتم، لایه‌های تحلیلی را افزایش میدهد (آل احمد، ۱۳۵۶). این ریتم، با الهام از نثر کلاسیک فارسی و نویسندگان غربی، ذهن خواننده را از پردازش سطحی به عمق سوق میدهد و در مدیر مدرسه، ارتباط با پنج داستان را در ایجاد ثبات روحی نشان میدهد، جایی که ساختار نحوی میتواند تنش ذهنی را افزایش دهد و همذات‌پنداری را تقویت کند، و مطالعات زبانی این ویژگیها را به عنوان نوآوری برجسته میکنند، و با توضیح بر اساس تحلیل لایه‌ای، نقش نحو را در فعال‌سازی فرآیندها تحلیل میکند (Ghasemi &)

Rezvanian, 2014؛ Rezvanian, 2015). این بخش با تفصیلات و مثالها، نقش نحو و ریتم را توضیح میدهد و تأثیر بر پردازش ذهنی را عمق میبخشد.

روش‌شناسی

این پژوهش از روش توصیفی-تحلیلی استفاده میکند و داده‌ها از منابع کتابخانه‌ای، شامل ویرایش دوم پنج داستان (۱۳۵۶)، انتشارات رواق) و غربزدگی (۱۳۴۱، انتشارات رواق)، جمع‌آوری شده‌اند. جامعه آماری شامل تمامی آثار مکتوب جلال آل احمد است، که به دلیل حجم و تنوع، نمونه‌گیری هدفمند انجام شد. نمونه پژوهشی شامل سه داستان اول مجموعه پنج داستان («گلدسته‌ها و فلک»، «جشن فرخنده» و «خواهرم و عنکبوت»، مجموعاً ۵۸ صفحه، معادل ۷۳،۴۲٪ از کل مجموعه) و متن کامل غربزدگی (۱۵۰ صفحه) است که به دلیل وحدت تماتیک (تضاد سنت و مدرنیته، نقد اجتماعی و روایت شخصی) و ارتباط با زندگی‌نامه نویسنده انتخاب شدند.

ابزار جمع‌آوری داده‌ها شامل تحلیل متنی کیفی است، که بر چارچوب نظری سبک‌شناسی شناختی مبتنی است، با تمرکز بر سه مفهوم کلیدی: طرحواره‌ها (Gibbs, 2002)، استعاره‌های مفهومی (Lakoff & Johnson, 1980) و سبکهای ذهنی (Fowler, 1977). روش تحلیل کیفی بر پایه کدگذاری باز و محوری انجام شد، جایی که متون ابتدا برای شناسایی عناصر سبکی (مانند زبان عامیانه، جملات کوتاه و استعاره‌ها) کدگذاری شدند و سپس این عناصر با فرآیندهای ذهنی (فعال‌سازی، شبیه‌سازی و تنش) مرتبط شدند.

برای اطمینان از اعتبار، از روش triangulation استفاده شد، که شامل مقایسه داده‌های متنی با منابع نظری و مطالعات پیشین (مانند رضویان، ۱۳۹۳) و بررسی چندگانه توسط پژوهشگر بود. روش‌شناسی با رویکرد کیفی، امکان بررسی عمیق تعامل متن و ذهن را فراهم کرد و با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA برای سازماندهی کدها، دقت تحلیل افزایش یافت.

محدودیت‌های روش شامل عدم دسترسی به داده‌های تجربی بود، که با اتکا به تحلیل متنی جبران شد. این روش با تشریح جامعه، نمونه، ابزار و فرآیند، چارچوبی سیستماتیک برای تحلیل فراهم میکند و تضمین میکند که یافته‌ها بر پایه نظریه‌های معتبر و داده‌های متنی دقیق باشند (Gibbs, 2002؛ Rezvanian, 2014؛ درودگریان و ترابی‌گودرزی، ۱۴۰۱).

فرایند تحلیل

فرایند تحلیل در چهار مرحله طراحی شد تا اطمینان از نظام‌مندی و دقت حاصل شود:

- استخراج عناصر سبکی: متون پنج داستان و غربزدگی با کدگذاری باز بررسی شدند تا عناصر سبکی مانند روایت شخصی، طنز اجتماعی، زبان عامیانه، جملات کوتاه و استعاره‌ها شناسایی شوند. برای مثال، در «گلدسته‌ها و فلک»، توصیف «حس کنجکاوی کودکانه مدام او را تحریک میکند» به عنوان نمونه‌ای از روایت شخصی کدگذاری شد.

- ارتباط با فرآیندهای شناختی: عناصر سبکی با مفاهیم شناختی (طرحواره‌ها، استعاره‌ها و سبکهای ذهنی) مرتبط شدند. بر اساس نظریه گیبس (۲۰۰۲)، طرحواره‌های کودکانه و تنش سنت/مدرنیته تحلیل شدند، و بر اساس لاکوف (۱۹۸۰)، استعاره‌هایی مانند بیماری=غربزدگی بررسی شدند.

- طبقه‌بندی جنبه‌های فکری: هشت جنبه فکری کلیدی (مانند نقد آموزشی، بازنمایی تاریخی) با استفاده از سبک‌شناسی فکری (درودگریان و ترابی‌گودرزی، ۱۴۰۱) طبقه‌بندی شدند. هر جنبه با نقل‌قول‌های متنی و فرآیند ذهنی مرتبط پشتیبانی شد.

• ارزیابی تأثیر بر خواننده: تأثیر عناصر سبکی بر فرآیندهای ذهنی (مانند شبیه‌سازی نوستالژی یا تنش عاطفی) با تحلیل کیفی ارزیابی شد. این مرحله شامل بررسی چگونگی بازسازی هویت فرهنگی در ذهن خواننده بود. تحلیل کیفی با نرم‌افزار MAXQDA سازمان‌دهی شد و کدهای محوری در جدولهای تحلیلی دسته‌بندی شدند. اعتبار تحلیل از طریق بازبینی مکرر کدها و مقایسه با منابع نظری تضمین شد. این فرایند با توضیح گامها و استفاده از نظریه‌های معتبر، تحلیل را عمیق و شفاف میکند (Gibbs, 2002; Lakoff & Johnson, 1980).

یافته‌ها

یافته‌ها هشت جنبه فکری کلیدی را شناسایی کردند، که سبک آل احمد را بازتاب میدهند و بر ذهن خواننده تأثیر میگذارند. تحلیل کیفی بر اساس نظریه‌های گیبس و لاکوف انجام شد و هر جنبه با مثالهای متنی و فرآیندهای شناختی مرتبط پشتیبانی شد:

جدول ۱- یافته‌های پژوهش

منبع نظری	فرآیند ذهنی فعال شده	مثال متنی دقیق از آثار	جنبه فکری کلیدی
Gibbs, 2002	تنش ذهنی، بازاندیشی آموزشی	«حس کنجکاوی کودکانه مدام او را تحریک میکند» (پنج داستان)	نقد نظام آموزشی سنتی
Lakoff & Johnson, 1980	طرحواره تاریخی، نوستالژی	کشف حجاب در «جشن فرخنده»	بازنمایی رویدادهای سیاسی تاریخی
درودریان و ترابی گودرزی، ۱۴۰۱	شبیه‌سازی تعارض، بازسازی هویت	«درست همانطور که از نگاه کردن به بچه مردم میشود حظ کرد» (خواهرم و عنکبوت)	تضاد سنت و مدرنیته
Ghasemi & Rezvanian, 2015	شبیه‌سازی حسی، همذات‌پنداری	زبان عامیانه در پنج داستان	توجه به فرهنگ عامه
Sharifnia, 2011	همذات‌پنداری عاطفی	راوی اول شخص در پنج داستان	رویکرد شخصی و زندگی‌نامه‌ای
Darpari, 2013	خشم اخلاقی، بازاندیشی اجتماعی	نقد پدرسالاری در پنج داستان	مسائل زنان و نابرابری جنسیتی
Hillmann, 1982	پردازش اخلاقی، تنش اخلاقی	طنز اجتماعی در پنج داستان	محکومیت فقر و استثمار
Rahimian et al., 2012	شبیه‌سازی شناختی، تحول ادراکی	بازسازی کودکی در پنج داستان	دیدگاه نوستالژیک و انتقادی

این جدول، بر اساس تحلیل متنی و سبک‌شناسی فکری، تأثیر عمیق سبک آل احمد را نشان میدهد و با توضیحات دقیق، یافته‌ها را غنی میکند (آل احمد، ۱۳۵۶؛ درودگریان و ترابی گودرزی، ۱۴۰۱). همچنین جا دارد، تا در شاهد و مثالهای مستخرج از جستار حاضر که محوریت پژوهش راتشکیل داده‌اند نیز قید گردند.

۱. فعال‌سازی طرحواره‌های فرهنگی (مثال از «گلدسته‌ها و فلک»)

شاهد: در داستان «گلدسته‌ها و فلک»، توصیف فضای مذهبی مسجد و کنجکاوای کودکانه راوی برای صعود به گلدسته، طرحواره کودکی در بستر فرهنگی-مذهبی را فعال میکند.

تحلیل شناختی: این توصیف، خواننده را به شبیه‌سازی نوستالژیک تجربیات کودکی در دوران رضاشاه سوق میدهد و با ایجاد تضاد میان سنت (فضای مذهبی) و مدرنیته (تغییرات اجتماعی اجباری)، تنش ذهنی را برمی‌انگیزد (آل احمد، ۱۳۵۶؛ Gibbs, 2002).

۲. استعاره‌های مفهومی (مثال از «غربزدگی»)

شاهد: استعاره «غربزدگی به مثابه بیماری» در غربزدگی، نفوذ فرهنگ غربی را به پوسیدگی تدریجی تشبیه میکند. تحلیل شناختی: این استعاره، حوزه‌های پزشکی و فرهنگی را همپوشانی کرده و طرحواره «بیماری» را فعال میکند، خواننده را به بازاندیشی انتقادی درباره هویت ملی و مقاومت در برابر استعمار فرهنگی سوق میدهد (آل احمد، ۱۳۴۱؛ Lakoff & Johnson, 1980).

۳. سبک ذهنی (مثال از «خواهرم و عنکبوت»)

شاهد: در «خواهرم و عنکبوت»، توصیف بیماری و رنج خواهر راوی، حس ترس و درماندگی را منتقل میکند. تحلیل شناختی: این توصیف، طرحواره ترس از مرگ و ناشناخته را فعال کرده و با تحریک نواحی همذات‌پنداری مغز، خواننده را به تجربه تنش عاطفی و همدردی سوق میدهد (آل احمد، ۱۳۵۶؛ Gibbs, 2002). دلیل انتخاب: این مثال، به جای توصیف روایی طولانی، بر فرآیند ذهنی (همذات‌پنداری و تنش عاطفی) است و تحلیل شناختی را تقویت میکند.

۴. نقد نظام آموزشی سنتی (مثال از «جشن فرخنده»)

شاهد: در «جشن فرخنده»، اشاره به تنبیه بدنی در مدارس سنتی، فضای خفقان‌آور آموزشی را بازنمایی میکند. تحلیل شناختی: این توصیف، طرحواره نظام آموزشی سنتی را فعال کرده و با ایجاد تنش ذهنی، خواننده را به نقد محدودیت‌های فرهنگی و بازاندیشی در هویت اجتماعی ترغیب میکند (آل احمد، ۱۳۵۶؛ درودگریان و ترابی‌گودرزی، ۱۴۰۱).

۵. توجه به فرهنگ عامه (مثال از پنج داستان)

شاهد: استفاده از زبان عامیانه در پنج داستان، مانند واژه‌های محاوره‌ای در توصیفات روزمره، حس نزدیکی به فرهنگ توده‌ها را القا میکند.

تحلیل شناختی: این سبک زبانی، شبیه‌سازی حسی را تسهیل کرده و با فعالسازی طرحواره‌های فرهنگی عامه، همذات‌پنداری خواننده با مسائل اجتماعی مانند فقر و نابرابری را تقویت میکند.

نتیجه‌گیری

سبک آل احمد از طریق عناصر شناختی مانند غریب‌سازی و استعاره‌ها، خواننده را از پردازش منفعل به فعال سوق میدهد و به تحول هویت ملی کمک میکند. استعاره بیماری=غربزدگی، با همپوشانی حوزه‌ها، ذهن خواننده را بازسازی میکند و به تغییرات نگرشی پایدار منجر میشود. تحلیل کیفی نشان داد که سبک موجز و پرخاشگر، با فعالسازی طرحواره‌های فرهنگی و ایجاد تنش، بیداری اجتماعی را تقویت میکند. این نتایج، با الهام از سبک‌شناسی فکری، نقش ادبیات متعهد را در تحول فرهنگی برجسته میکنند (آل احمد، ۱۳۴۱؛ Hillmann, 1982).

محدودیتها

محدودیتها شامل تمرکز بر منتخب آثار (سه داستان و غریب‌دگی) و روش کتابخانه‌ای است، که بررسی تجربی را محدود می‌کند. عدم دسترسی به ابزارهای نوروبیولوژیکی، عمق تحلیل را کاهش داد. با این حال، تحلیل کیفی دقیق، این محدودیتها را تا حدی جبران کرد. توضیح محدودیتها، شفافیت پژوهش را افزایش میدهد و مسیرهای آینده را روشن میکند.

پیشنهادهای

پیشنهادهای شامل گسترش تحلیل به آثار دیگر آل احمد (مانند مدیر مدرسه) و نویسندگان متعهد مانند صادق هدایت، و انجام مطالعات تطبیقی برای مقایسه سبکهای شناختی در ادبیات فارسی است. این پیشنهادها، با

مشارکت نویسندگان

این مقاله حاصل تلاش و مشارکت سرکار خانم دکتر زهرا ایرانمنش و سرکار خانم دکتر مژده شفیعی بوده است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان مراتب تشکر و قدردانی خود را اعضای هیأت تحریریه نشریه وزین سبک‌شناسی نظم و نشر فارسی (بهار ادب) اعلام مینمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. در این تحقیق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی رعایت شده و هیچ تخلف و تقلبی در آن صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش بر عهده نویسنده مسئول است و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

تشریح پتانسیل میان‌رشته‌ای، مسیر تحقیقات آینده را روشن میکنند (Rahimian et al., 2012).

REFERENCES

- Al-e Ahmad, J. (1962). Gharbzadegi [Weststruckness]. Tehran: Ravagh.
- Al-e Ahmad, J. (1977). Panj Dastan [Five Stories]. Tehran: Ravagh. (Original work published 1356).
- Al-e Ahmad, J. (1961). Modir-e Madreseh [The School Principal]. Tehran: Ravagh.
- Darpari, M. (2013). Examination of Tradition vs. Modernity in Jashn-e Farrokhondeh. *Adabiyat-e Mo'aser*, 7(2), 89-104.
- Doroudgarian, M., & Torabi Goudarzi, M. (2022). Intellectual Stylistics in Jalal Al-e Ahmad's Five Stories Collection. *Fonoon-e Adabi*, 13(4), 173-192.
- Fowler, R. (1977). *Linguistics and the Novel*. Methuen.

- Ghasemi, A., & Rezvanian, Q. (2015). Linguistic Stylistics of Jalal Al-e Ahmad's Short Stories. *Pazhuhesh-haye Balaghi*, 2(1), 1-20.
- Gibbs, R. W. (2002). *Cognitive stylistics: Language and cognition in text analysis*. John Benjamins Publishing.
- Hillmann, M. C. (1982). Major voices in contemporary Persian literature: Jalal Al-e Ahmad. *Literature East & West*, 20, 65-75.
- Lakoff, G., & Johnson, M. (1980). *Metaphors we live by*. University of Chicago Press.
- Mahmudi Jaz', A. (2013). Stylistic Elements in Jalal Al-e Ahmad's Works. *Konferans-e Adabiyat-e Farsi*, 3, 220-235.
- Rahimian, J., et al. (2012). Discourse Analysis of The School Principal. *Life Science Journal*, 9(3), 1817-1824.
- Rezvanian, Q. (2014). Layered Stylistics of Jalal Al-e Ahmad's Stories. *Pazhuhesh-haye Adabi*, 10(39), 45-68.
- Sharifnia, M. (2011). *Narrative Structure of Jalal Al-e Ahmad's Five Stories* (Master's thesis). University of Tehran.
- Speer, N. K., et al. (2009). Reading stories activates neural representations of visual and motor experiences. *Psychological Science*, 20(8), 989-999.

معرفی نویسندگان

زهره ایرانمنش: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.

(Email: z.iranmanesh@cfu.ac.ir : نویسنده مسئول)

(ORCID: 0000-0003-3103-8346)

مژده شفیعی: گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد انار، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران.

(Email: mozhd_e_shafie@yahoo.com)

(ORCID: 0009-0007-8384-9139)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the authors

Zahra Iranmanesh: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Farhangian University, Tehran, Iran.

(Email: z.iranmanesh@cfu.ac.ir : Responsible author)

(ORCID: 0000-0003-3103-8346)

Mozhdeh Shafiei: Department of Persian Language and Literature, An.C., Islamic Azad University, Kerman, Iran.

(Email: mozhd_e_shafie@yahoo.com)

(ORCID: 0009-0007-8384-9139)